قتل اجتماعی

دزدان و راهزنان و اشرار ولایات که یکی از بهترین مئآثر این عهد است‏ و در واقع باید دولت ایران را باین اعلان جنگ که بدزدان آشکار و رسمی‏ کرده تبریک گفت و کامیابی و فتح او را در این جهاد امنیّت بر ضدّ دودمانهای قطّاع الطّریق که از عهد سام نریمان و افراسیاب تا امروز مسلّط بر رعایای بدبخت ایران هستند آرزو کرد.دوّم خبر بسیار خوش‏ و بلکه خوشترین کلّ اخبار است که در جراید متوالیّا دیده میشود از اهتمام‏ در امور مدارس و علوم که در هر شماره از جراید ایران دیده میشود: مخارج مدرسهء خوانسار و بودجهء معارف یزد حواله شد،برای تأسیس‏ مدرسه در کردستان اقدام شد،میزان خرج مدرسهء شیراز افزوده‏ گشت.....الخ.اینهاست که تأثیرات یزدانی است و ایران را براه‏ غلبهء باهریمن میبرد و اینهاست که ایرانیان دور افتاده را در غربت دلشاد و باافتخار مینماید.

برعکس اینست آنچه دیده میشود از وحشیگریهای هولناک که‏ بقایای دوره‏های قدیم در گوشه و کنار برای یادآوری عهد عزیز خان‏ سردار کلّ و حکّام سفّاک چهل سال قبل در مثله کردن مردم قدرت‏ نمائی میکنند.برای این فقره دو قطعه نمونه از جراید ایران را ذیلا درج میکنیم:

«اعظم السّلطنه رئیس کاکاوند ضعیفه‏ای را بجرم سرقت موزر پستان‏داغ نموده‏ و انواع و اقسام زجر و اذیّت را دربارهء او مجری داشته است.»

[نقل از روزنامهء«رعد»شمارهء 152] از طرف دیگر شیوع بعضی عادات غیرمشروع و ظلمانی است که با کمال تأسّف دیده میشود بجای زوال بر رواج خود میافزاید.برای‏ مثال این‏گونه امور خارج از شرع و عقل و تمدّن نیز نمونهء ذیل را نقل‏ میکنیم.

«استراباد:در این سنوات بواسطهء فشار روسها و دماغ‏سوختگی اهالی چین‏ عزاداری پرشور و هیجانی در استراباد نشده بود ولی چون طرز دستجات اینجا طرز غریبی است و تماما با چوب و چماقهای عظیم جست‏وخیزهای فوق العاده میکنند ثقة السّلطنه معاون حکومت برای آموختن طرز عزاداری یک دستهء دولتی ترتیب داده‏اند. ...یک زنگ بزرگ که گویا ناقوس کلیسا بوده است تراکمه قبل از محرّم بطور قاچاق آورده بودند جماعتی آن زنگ را برای سقّاخانهء حضرت عبّاس بمبلغی خریداری‏ نموده و بالای درخت چناری که در وسط تکیه واقع است آویخته تا یکی دو روز اوایل‏ محرّم زنگ را بصدا درآورده که در تمام شهر صدای آن شنیده میشد و چون وصلهء مذهبی و متعلّق بخارجه بود حکومت توسّط آقا میرزا محمّد مهدی مجتهد زنگ را توقیف‏ نمود و گویا آقا میرزا محمّد مهدی هم خودشان تلگرافی بمقام ریاست وزرا مخابره نموده‏ و تکلیف خواسته‏اند.»

[نقل از روزنامهء«رعد»شماره 153،مورخهء 20 محرّم 1338] وقتیکه این‏گونه اخبار شرم‏انگیز را با آنچه نمایندگان دولت و ملّت‏ ایران در خارجه برای احقاق حقوق ایران در مجامع و جراید برای‏ اثبات متمدّن بودن ایران و استحقاق او باستقلال و آزادی میگویند و مینویسند مطابقه کنید انسان پیش خود قدری خجل میشود.این‏ بیچارگان سعی دارند نشان بدهند ملّت ایران بهیچ وجه وحشی و متعصّب‏ نیست ولی از آنطرف نه‏تنها رئیس کاکاوند بلکه والی پایتخت قدیم ایران‏ عملا آنانرا تکذیب میکنند.اینک قطعهء اقتباس از قول نمایندهء بزرگ ایران:

اعلیحضرت همایونی در نطق خود در گیلدهال(ادارهء بلدیّهء لندن)در 26 محرّم 1338 چنین فرمودند:«من نمایندهء یک وضع و ترتیب جدید مبنی باساس حریّت‏ هستم که ملّت من از آن وضع منتظر تجدّد و اصلاح و احیای مملکت خود میباشد، آن تجدّد و اصلاحی که تا حال بواسطهء نفوذهای ناموافق جلوگیری شده بود.»

[نقل و ترجمه از روزنامهء«تیمس»لندن مورّخهء 3 نوامبر 1919 میلادی]

قتل اجتماعی

بالأخره در 18 جمادی الأولی 1338 عهدنامهء صلح رسما از طرف‏ دول متّفقه تصدیق گردید و دیگر میتوان گفت که روزگار جنگ سپری‏ شد و از نو صلح و آشتی که حالت طبیعی هیئت اجتماعیّه است برقرار گردید. مسئلهء اینکه آیا میشود که روزی نوع بشر برای تصفیهء امور و رفع‏ مرافعات خود محتاج باین نباشد که از هر طرفی هزارها بلکه کرورها اشخاص مسلّح بعزم ریختن خون و ویران نمودن کاشانهء همدیگر راه افتاده و آتش و خون بجان و مال همدیگر بزنند و بوسیلهء قلع و قمع طرف‏ ادّعای خود را بخیال خود مشروع نموده و نتایج زحمت سالیان دراز فکر و کار یک قومی را عاطل و باطل گذاشته و باسم اینکه فتح کردیم و دیگر در مملکت دشمن جز زنان بیوه و کودکان ناتوان جانداری باقی نگذاشتیم‏ شادمان و سرافراز بخانهء خود برگردند،این مسئله از یک طرف طرفداران‏ بسیار و از طرف دیگر معارضین زیاد دارد که هرکدام برای اثبات مدّعای‏ خود دلیلها آورده و تحقیقاتی مینمایند که ذکر آنها خارج از مقصود ماست. از جملهء طرفداران صلح که اعتقاد محکم دارند که جنکگ هم مانند همهء بقایای عهد وحشیگری بتدریج در مقابل ترقیّات عوالم معنوی نوع بشر از میان خواهد رفت فلاماریون عالم و منجّم مشهور فرانسوی است که‏ در خیلی از کتابهای خود در خصوص سیّئات جنگ داد سخن را داده‏ و در آن باب احصائیّات عالمانهء بسیار مفیدی ترتیب داه است ما در اینجا محض نمونه بعضی از مطالب کتاب مشار الیه را که موسوم است به«آخر دنیا» بنظر خوانندگان میرسانیم:

فلاماریون را عقیه این است که جنگ پیش از قرن 25 میلادی یعنی تا 500 سال دیگر بکلّی منسوخ خواهد شد و میگوید در قدیم الایّام جنگ‏ عموما بین اهالی دهات بود و این‏گونه جنگها در قرن سیزدهم هجرت هم‏ در افریقای مرکزی دیده میشد ولی چون آن درجهء وحشیگری گذشت آن‏ گونه جنگ هم بتدریج از میان رفت و دهات باهم مع شده و بنای تشکیل‏ ایالتها را گذاشتند و جنگ بین این ایالت و آن ایالت شروع شد مثلا بین آتن‏ و اسپارت،رم و قرطاجنّه،پاریس و دیژن،لندن و ادمبورگ و غیره و غیره‏ و تاریخ رویهمرفته عبارت بود از شرح این جنگهای بین ایالتی.ولی کم‏کم ایالتها هم بصورت مملکتها درآمد و بیرقها و سرحدّات متمایزهء ایالتی از میان رفت و بیرقها و سرحدّات دیگری جای آنها را گرفت و آنوقت مردم بنا کردند بانیکه ببچّه‏های خود اتّحاد و یگانگی با دشمنان ایالتی دیروزی و دشمنی با ممالک‏ تازه ایجاد شده را یاد بدهند و«جوانها را لباسهای رنگارنگ مخصوص‏ پوشاندند برای اینکه بروند همدیگر را بکشند».احصائیّات ثابت میدارد که جنگ در هر قرنی منظّما 40 ملیون نفوس را بکشتن داده یعنی هر روزی هزار و صد نفر و در عرض این سه هزار سالی که از تاریخ نوع‏ بشر کم یا بیش روشن است تقریبا همان مقداری که امروز کرهء زمین‏ سکنه دارد همان قدر را هم جنگ از میان برده است و مصارف این آدم‏ کشیها فقط در قرن 13 هجرت بالغ بر 700 میلیارد فرانک شده است و همین گونه مصارف باعث شد که اغلب ملّتها مبالغ هنگفت مقروض شدند چنانکه در سال 1311 فقط ممالک اروپا 121 میلیارد فرانک قرض داشتند از قرار ذیل:

فرانسه....32 میلیارد فرانک‏ روسیّه....20 میلیارد فرانک‏ انگلیس......18 میلیارد فرانک‏ ایتالی....11 میلیارد فرانک‏ اتریش.....10 میلیارد فرانک‏ آلمان.....9 میلیارد فرانک‏ و پانزده مملکت دیگر هم معا 21 میلیارد.

و از اینقرار است هر نفر آدمی که متوّلد میشد از همان دقیقه‏ای که چشم‏ میگشود از قرار ذیل مقروض بود:

فرانسوی.....987 فرانگ‏ انگلیسی......505 فرانگ‏ ایتالیائی.....375 فرانگ‏ اتریشی.......275 فرانک‏ روسی......220 فرانک‏ آلمانی.......200 فرانک‏ در صورتیکه یک نفر امریکائی چون امریکا مصارف قشون نداشت‏ فقط 90 فرانک مقروض میشد.فرانسه تنها در ظرف 22 سال از 1286 تا 1309 مبلغ قرضش از 13 میلیارد و نیم فرانک به 31 میلیارد و 660 ملیون رسید و در این سال اخیر یعنی 1309 در اروپا 000،300،3 نفر قشون تحت سلاح بوده است که هر نفری بمیزان‏ متوسّط سالیانه 1442 فرانک مخارجش میشده در صورتی که اگر این‏ اشخاص را میگذاشتند عوض اینکه فنّ آدم‏کشی را تکمیل کنند بروند کار بکنند دست‏کم هر نفر از آنها در سال 1000 فرانک نتیجهء کارش‏ میشد.

ولی چنانکه دیده میشود احصائیّات فوق راجع است بسی چهل سال‏ پیش و از آن تاریخ ببعد مدام بر بودجهء ممالک و قروض آنها افزوده‏ گردیده است و مخصوصا در این سالهای جنگ مخارج قشون کشی‏ و جنگ چنان سنگین شده که تخمین آن هم سخت است و باید منتظر شد تا احصائیّات کامل بدست آید.

وضع قتل عامّ درهیچ عصری و در هیچ‏یک از جنگهای بزرگ‏ دنیا حتّی در استیلای مغول که وحشی‏ترین اقوام دنیا بودند باین حدّ که در این عهد دیده شد نرسیده بود و سبب این جنون اجتماعی و عدم‏ التفات بقبح بدیهی این عمل همانا عادت مصنوعی و تزیت عمدی اطفال‏ است بمقتضای آن ور نه یک دقیقه فکر با عقل سلیم کافی است برای درک‏ قبح این عمل و برای تصوّر اینکه چرا باید قتلهای انفرادی جنایت و اقبح‏ سیّئات شمرده شده قاتل از طرفی محکوم بقصاص و از طرف دیگر مسلوب‏ از شرف و خارج از اجتماعات نجیب شمرده شود و قتلهای اجتماعی باعث‏ افتخار پیش‏آهنگان آن گردیده و نشان شرافت بآنها داده شود چنانکه‏ در قرون ماضی ملل غیرمتمدّن قتلهای شخصی هم جزای‏ درستی نداشت.

برای نشان دادن نمونه‏ای از اینکه خیال استیلای بملل دیگر و جنگ‏ و جدال دائمی باعث چه زحمتها و مساعی طولانی برای روی زمین بجهت‏ مدافعه خود شده مقالهء ذیل مثلی از قرون قدیمه بدست میدهد که علاوه‏ بر نشان دادن مساعی بشری برای مجادلهء بدون علّت با همدیگر دارای‏ فواید علمی نیز هست.

دیوار چین

بزرگترین سنگری که دست بشری در روی زمین برای مدافعهء خود ساخته و تا امروز باوجود مزور دهور تقریبا بهمان جسامت اوّلی‏ خود باقی مانده و دستبرد زمانه در انهدام آن چندان تأثیری نداشته است‏ دیوار چین است.

این دیوار را بزبان مغولی«پایان کرما»میگویند یعنی دیوار سفید امّا خود چینیها آنر«وان لی چاپچونگ»1یعنی دیوار ده هزار«لی»2 مینامند در صورتیکه در حقیقت طول این دیوار پنج هزار«لی»میباشد که معادل میشود تقریبا با 410 فرسنگ‏3یعنی تقریبا درست فاصلهء بین‏ کوه ارارات که منتهی نقطهء شمالی(شمال غربی)ایران و چابهار که‏ تقریبا منتهی نقطهء جنوبی(جنوب شرقی)ایران است.

از قرار اسنادی که بدست آمده است معلوم میشود که بنای این دیوار در عهد سلطنت خاقان معروف چین شیوانگتی‏4که از سنهء 209 تا 221 قبل از میلاد مسیح حکمران بوده است شروع شده است.برحسب‏ تحقیقات اخیره چنان ظاهر میشود که این دیوار گویا در عهد سلسلهء پادشاهان مینگ‏5که از سنهء 770 تا 1054 هجری سلطنت رانده‏اند تعمیر و اصلاح شده است.در بعضی جاها این دیوار را دو سه ردیف‏ یعنی دو سه سلسله دیوار پشت سر هم بنا کرده‏اند چنانکه در حوالی‏ شهر پکن همینطور است و دروازهء معروف کیونگکوان‏6هم که‏ ببدنهء آن بزبانهای مختلف زا قبیل سانسکریت و چینی و مغولی و تبتی و چوچی خطوطی نوشته‏اند در همان حوالی واقع است.

بیشتر از دو هزار سال از تاریخ این دیوار گذشته است و باز هم بنا باستحکامی که اکنون دارد میتوان گفت که چندین هزار سال دیگر هم بهمین وضع باقی خواهد ماند.

(1) Wanlitschangtschong

(2) Li واحد مقیاس طول چینی است که مساوی است تقریبا با ثلث فرسنگ.

(3)2450 کیلومتر

(4) Schihwangti

(5) Ming

(6) Kuyungkwan